

مرحوم عراقی سپس به اشکال و جوابی اشاره کرده و می‌نویسد:

«فان قلت انا نرى بالوجدان فرقا بين الوجوب المطلق و الوجوب المشروط فان الوجوب المطلق اذا علم به المكلف المنقاد لامر مولاه شرع بامثاله من دون انتظار شيء لانه يرى ان التكليف قد تم في حقه من ناحية مولاه بخلاف ما لو علم ان الوجوب معلق على وجود شيء لم يوجد بعد فانه لا يسعى لامثال هذا التكليف بنحو من السعي لانه يرى نفسه قبل تحقق شرط الوجوب غير مكلف بشيء ليهتم و يسعى بامثاله و بهذا النحو من الفرق بين الحكمين صار أحدهما حكما فعليا و الآخر حكما انشائيا قلت ليس ما نجده من الفرق بين الوجوبين ناشئا من كون أحدهما فعليا و الآخر انشائيا بل كل منهما بعد تحققه من الامر فعلى إلا انهما لما اختلفا بالسنخ و الحقيقة اختلفت آثارهما فان الوجوب المطلق لما كانت حقيقته ارادة الفعل من المكلف على كل تقدير كان من آثاره انبعث المكلف المنقاد اذا علم به نحو الفعل بلا انتظار شيء و اما الوجوب المشروط فانه لما كانت حقيقته ارادة الفعل من المكلف على تقدير خاص لا على كل تقدير كان من آثاره انه اذا علم به المكلف قبل تحقق التقدير المعلق عليه و ان كان منقادا لا ينبعث نحو الفعل بل ينتظر حصول الشرط المعلق عليه ذلك الوجوب الذي باعتباره صار نوعا مابيننا لنوع الوجوب المطلق فكلا هذين النوعين من الوجوب مشترك في الفعلية عند تحققهما من المولى و لكن تختلف آثارهما لاختلاف حقيقتيهما و فعلية الوجوب لا تستلزم الانبعث ليستدل بعدمه على عدمها فكثيرا ما يكون الوجوب فعليا و لا يحصل به انبعث المكلف نحو الواجب كما فى صورة الجهل به او فى صورة العلم به مع تمرد المكلف.»^۱

توضیح:

۱. ان قلت: بالوجدان بين وجوب مطلق و وجوب مشروط فرق است.
۲. مکلف وقتى علم به وجوب مطلق پیدا کرد، آن را امتثال می‌کند و منتظر نمی‌ماند ولی در وجوب مشروط، آدمی خود را مکلف نمی‌داند و منتظر می‌ماند.
۳. پس وجوب مشروط قبل از تحقق شرط، حکم انشائی است و بعد از تحقق شرط فعلى می‌شود.
۴. قلت: فرق گفته شده، به سبب انشائی بودن و فعلى بودن نیست بلکه به این سبب است که:
۵. فرق این دو حکم در سنخ و حقیقت آنهاست، به این بیان که:

۱. بدائع الافکار فی الأصول، ص ۳۴۰.



۶. وقتی حقیقت وجوب مطلق آن است که مولا آن کار را به صورت مطلق مطالبه کرده است، اثر این وجوب، انبعاث مکلف به صورت مطلق و بدون انتظار است.
۷. و وقتی حقیقت وجوب مشروط آن است که مولا آن کار را در فرضی خاص مطالبه کرده است، اثر این واجب، انبعاث در فرض خاص است.
۸. پس هر دو نوع وجوب، در فعلیت مشترک هستند ولی آثار آنها با هم فرق دارد.
۹. توجه شود که «فعلیت وجوب» مستلزم آن نیست که عبد منبعث شود تا به سبب عدم انبعاث در وجوب مشروط بگوئیم پس وجوب مشروط فعلی نیست.
۱۰. موارد بسیاری است که در آنها وجوب فعلی است ولی انبعاث نیست، مثل جایی که مکلف جاهل دارد و یا مکلف عاصی است و متمرّد است.

مرحوم عراقی سپس می‌نویسد:

«و ان ابیت الا عن کون فعلیة الحکم تواما مع باعثیته و محرکیته نقول ان الحکم فی الواجب المشروط قبل حصول المعلق علیه فی الخارج و ان لم یکن محرکا نحو العمل من جهة ایجاد نفسه و لکن یكون محرکا نحوه من ناحية ایجاد مقدماته.»^۱

توضیح:

۱. اگر کسی بگوید حکم در واجب مشروط فقط در صورتی فعلی است که محرک باشد و باعث انبعاث شود، می‌گوئیم:
۲. وجوب مشروط محرک است اما نه به سمت خود فعل بلکه به سمت مقدمات [غیر از مقدمه وجوب] [مثل مقدمات مفوّته]



۱. بدائع الافکار فی الأصول، ص ۳۴۱.